
گاردن پارٹی

کاترین منسفیلد

مترجم
نرگس انتخابی



نسرملٹ

تہران

۱۳۹۵

فهرست

| | |
|-------------------------|-----|
| پیش‌گفتار مترجم | ۷ |
| خستگی زُزابِل | ۱۷ |
| بارون | ۲۵ |
| فرافیشر | ۳۱ |
| دختر کوچولو | ۳۹ |
| میلی | ۴۵ |
| روز آقاي رَجینالد پیکاک | ۵۳ |
| برگی از آلبوم | ۶۵ |
| پرلود | ۷۳ |
| دوشیزه بریل | ۱۲۷ |
| دخترهای سرهنگ مرحوم | ۱۳۵ |
| خانه‌ی عوضی | ۱۶۱ |
| زندگی ننه پارکر | ۱۶۵ |
| سفر دریایی | ۱۷۵ |
| گاردن پارتی | ۱۸۷ |
| قتاری | ۲۰۷ |

خستگی رُزابل



سر نبش آکسفرد سِرکس، رُزابل یک دسته گل بنفشه خرید و همین باعث شد نتواند عصرانه‌ی درست و حسابی بخورد؛ چطور می‌شد بعد از یک روز سخت کاری در مؤسسه‌ی کلاه‌دوزی، یک تکه نان و یک تخم‌مرغ آب‌پز و یک شیرکاکائو در لاینز را عصرانه‌ی کافی به حساب آورد. رُزابل وقتی پرید روی پله‌ی اتوبوس اطلس^۱ و با یک دست دامنش را گرفت و با دست دیگرش چسبید به نرده‌ی اتوبوس، پیش خودش فکر کرد حاضر است برای یک شام درست و حسابی جانش را بدهد، یک غذای گرم و مقوی و شکم‌پرکن مثل اردک سرخ‌شده که شکمش را با شاه‌بلوط پر کرده باشند، همراه با نخود سبز و پودینگ با سس برندی. نشست کنار دختری که درست همسن و سال خودش بود و داشت یک نسخه‌ی ارزان‌قیمت و جلدکاغذی آنا لمبارد^۲ را می‌خواند که باران روی ورق‌های آن لکه‌های ریزی مثل لکه‌های اشک انداخته بود. رُزابل از پنجره به بیرون نگاه کرد. خیابان تار و مه گرفته بود، ولی نوری که روی شیشه‌ها می‌افتاد حالت مات و کدر شیشه‌ها را مثل نقره و عقیق سفید می‌کرد. جواهرفروشی‌هایی که از پشت این شیشه‌ها دیده می‌شدند شبیه قصرهای افسانه‌ای شده بودند. پاهایش خیس خیس بود و می‌دانست که لبه‌ی دامن و

۱. اسم خط اتوبوسی که بین سنت جانز گیت و کمپرول گیت حرکت می‌کرده. هر مسیر اتوبوس اسم خاصی داشته، مثل اطلس، واترلو، کینگزکراس و غیره. م.

۲. رمانی عاشقانه، منتشر شده به سال ۱۹۰۱، اثر آنی سوفی گری که با نام مستعار ویکتوریا کراس می‌نوشت. م.